

وطندار Vatandar

سیاسی فرهنگی ادبی فلسفی

اصل این نوشته ، مضمون برنامه یی میباشد که از طرف تلویزیون دوپچه وله DW-TV در دسترس شبکه های تلویزیونی افغانستان قرار گرفته است. بدینوسیله جهت اجازه پخش آن در رسانه های دیگر ، از تلویزیون دوپچه وله ابراز امتنان می گردد. وطندار بنا بر نیاز و اهمیت موضوع ، این مطلب را از روی نسخه یی جراید کشور اقتباس نموده است و با سپاس فراوان از تلویزیون دوپچه وله DW-TV درینجا به نشر می سپارد.

برگردان و ویراستار: جیلانی لیب

گنجینه های جهان - میراث بشریت «گورونگورو» تانزانیا

هر صبح زود، همین يك نمایش طبیعت جلوه گر می گردد. غبار های متراکمی، از کرانه های دهانه یی آتشفشان "گورونگورو" *Ngorongoro* تا اعماق پنجمصد متری، بطرف پایین سقوط می نمایند ولحظه کوتاهی قبل از تماس با زمین ، منحل میشوند. دهانه یی آتشفشان، دارای شکل بیضوی هفده یی بر نوزده کیلومتری می باشد و در وسطش دریای از آب جوش شیرین " آب معدنی سوئدیم" قرار گرفته است. دهانه یی آتشفشان گورونگورو ، سرشار از زندگیست بهشت گونه



برای حیوانات وحشی و پناهگاهی می باشد برای جانداران در معرض نابودی. پس از محو توده های انبوه مه و غبار و آغاز روز، حیوانات گوناگونی از قبیل فیل، بز کوهی، آهو، عنتر، میمون، شیر و کفتار به دره یی دهانه یی آتشفشان گورونگورو، روی می آورند تا از آب دریای جوش شیرینش بهره یی ببرند و در سرسیزی های حومه یی آن به چرا مشغول گردند. درین محیط زیست تنگ، پرندگان بیشمار و بیش از بیست هزار جانور پستاندار بزرگ، حیات بسر می برند. اینجا سر پناهی برای انواع زیادی از جانداران نادر گردیده است. به همین دلیل اینجا را تداعی کننده یی کشتی حضرت نوح ع پیامبر خدا نیز پنداشته اند. "ماسای" *Maasai* ها تا سالهای دهه یی هفتاد، هنوز در ساحه دهانه این آتشفشان مسکونیت اختیار می نمودند.

ز آنجاییکه حیوان دزدان زیادی، خود را در بین این دامپروان پنهان می کردند، ماسای ها ازین محل کوچ داده شدند. هر کسی که شب ها از گورونگورو دیدار می نماید، یا یکی از نگهبانان این منطقه است و یا يك شکارچی. ماسای ها، همه روزه اما حیوانات خویش را در کرانه های دهانه یی آتشفشان ، در کنار جانوران وحشی همچون گاومیش، پستاندارن کوهی دیگر و گوره خر ها به چرا و آبنوشی می برند. اسب های آبی اینجا، روزانه کمتر به





خشکه می روند. آنها معمولاً، شب ها را به چرا می گذرانند و روز ها را تنبل منشانه، تا بروز تاریکی در آب بسر می برند. در فصل خشکی، بخش اعظم آب دریا تبخیر می شود و ساحه یی سپید نمکینی را از خود بجای می گذارد. آنچه باقی می ماند، قلیای سودیم غلیظی در يك تالاب، بیش نیست. فلامینگو ها یا مرغ های آتشی، از جامنك ها و موجودات زنده یی كوچك داخل این آبگیر، خود

را تغذیه می نمایند. گفتار ها به دلیل لاشه خوری، نزد انسان ها صاحب چندان منزلتی نمی باشند، هر چند که این عمل در دنیای

حیوانات، وظیفه یی است بس مهم



گفتارها که شکارچیان موقفی نیز هستند، اغلباً در دسته های عظیم خویشاوندی، که جنس مؤنث نقش اصلی و تعیین کننده را در آنها دارا هستند، حیات بسر می برند. تعداد شیران، که جانداران اجتماعی می باشند در منطقه یی گورونگورو زیاد است. شیران، درینجا واقعاً شاه جانوران بنظر می رسند، زیرا در مکان حضور آنها، حیوانات درنده یی دیگر به ندرت نمایانگری می نمایند. در دهانه یی آتشفشان گورونگورو، برای همه یی جانداران خوراك کافی موجود می باشد. گفتار، شیر، جانوران طعمه یی درندگان مثل گوره خر، بز کوهی و آهو، همه با اصل خوردن و خورده شدن، به نوبه یی خود زندگی با آسایشی را بسر می برند. انزوای نسبی و



پر آبی منطقه، این حوزه را وافر و غنی گردانیده است. گورونگورو، بخشی از نظام محیط زیست "زیرینگیتی" **Serengeti** میباشد و به خوبی بازتابگر وضع آن. دریای نمك این منطقه را، سیزه زار ها، مرداب ها، جنگلات، جوی ها، دریاچه ها و حوزه های بیابان گونه یی پر ریگ احاطه نموده است. تقریباً همه



بی انواع حیوانات و گیاهان آفریقای شرقی درین ساحه یافت می شوند. تا دو میلیون سال پیش قلّه "گورونگورو"، به ارتفاع بالای پنج هزار متر از سطح دریا موقعیت داشته است. سپس به ترتیب ازین بلندی کاسته شد. مرتفع ترین قلّه بی آن امروز ۲۳۰۰ متر بالاتر از سطح آب قرار دارد. از دیدگاه زمین شناسی دهانه بی این آتشفشان در يك ساحه بی خیلی فعال ، کرانه تخته بی قاره آفریقا و میان يك سلسله آتشفشان های دیگر موقعیت میداشته باشد. در قلّه "لینگای" *Lengai* کوه مقدس

"ماسای" ها، هنوز تپه های خاکستر آخرین فعالیت آتشفشانی آن مشاهده می گردد. ایمپاکای "*Empakai*" خلاف گورونگورو ، زمانه های آتشفشانی خود را مدت ها پیش ازین ، سپری نموده است. دهانه این آتشفشان، سرشار از آب و محل آسایش پرندگان گوناگون می باشد. وسط گورونگورو و گستره بی انتهای زیرینگی، دره بی "ولدووی" *Oldovai* قرار دارد. این ساحه، بهترین

محل دلخواه پژوهشگران باستان و انسان شناس ، جهت جستجوی منشأ نوع بشر می باشد. جمجمه بی انسان های اولیه بی "هومو هابیلیس" *Homo Habilis* و اثر پای انسانهای هنوز کهن تر "هومو آسترالو پیتیکوس" *Homo*



Australopethicus از همینجا پیدا شده است. ۱,۹ میلیون سال پیش دو تن انسان اولیه ، از ساحه گسترده با خاکستر گدازه های آتشفشانی اینجا، گذر کرده اند. مدت کوتاهی بعد، بارندگی خاکستر جدید ، روی زمین را پوشانید و بدین ترتیب اثر پای آنها را تا امروز محافظت نمود.

نگهبانان حیوانات وحشی و جانورشناسان بر موجودیت کرگدن ها در دهانه بی این آتشفشان، زیاد افتخار می کنند. کرگدن های اینجا را بعد از ختم چندین دهه شکار، هنوز هم خطر حاد نابودی تهدید می کند؛ تعداد آنها اما به تدریج افزایش می یابد. در سال ۱۹۹۶ میلادی، سیزده کرگدن رمنده در تپه های سرسبز گورونگورو، حیات بسر می بردند. نوعی از پرندگان طفیلی خوار، همراه



همیشگی کرگدن ها هستند. این پرندگان کوچک، شب ها کرگدن ها را از آمدن حیوانات درنده باخبر می سازند. تعداد کرگدن های موجوده در محدوده این دهانه آتشفشان، هنوز برای حفظ بقای نسل آنها درین محل کافی نمی باشد. شاید زمانی کرگدن های جوان، ماجراجو تر گردند و با گذشتن از تپه های اینجا، در ساحه بی "زیرینگی" شریک زندگی خود را جستجو بنمایند. فیل های جنگلی جوان و پر نیرو که بالا شدن تپه، هنوز کار دشوار و جانفرسایی برای آنها نمی باشد، نیز مرتباً



دهانه بی این آتشفشان را ترك می کنند. این حالت البته که به زیان درختان و ساکنان منطقه تمام می شود.

هرچند که دهانه آتشفشان گورونگورو، منزوی به نظر می رسد، اما دارای نظم محرك محیط زیستی است و با پیرامون خویش در داد و ستدی همیشگی قرار دارد. در فصل بارندگی، زمانی که حیوانات وحشی ساحه بی زیرینگی، دوباره به مهاجرت و نقل مکان حیات آغاز می نمایند، هزاران گوره خر و پستانداران کوهی

دیگر، در دهانه بی آتشفشان گورونگورو، توقف کوتاهی دارند. اگر انسان ها با ابزار تمدن خویش، موجب ایجاد مانعی درین راه نگردند، این روش همچنان ادامه پیدا خواهد نمود.

پایان



رفقا، دوستان عزیزتارنمای **وطندار** ! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و

مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید



admin@vatandar.at

مدیر مسوول : دیپلوم انجینر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجینرنجیب یوسفی

کلیه حق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

بقیه گزیده های مقالات میلانی لیب

<http://www.vatandar.at/index%20labib1>

وطندار